

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان / سال سوم / شماره هفتم / پاییز ۹۱ / صفحات ۸۰-۵۷

بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با آن*

موسی طیبی نیا^۱

اسداله نقدی^۲

چکیده:

این مقاله با استفاده از روش پیمایشی به بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان در استان همدان و عوامل مرتبط با آن می‌پردازد. تکنیک مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده که اطلاعات مورد نیاز آن از یک نمونه ۳۹۸ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در استان همدان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و طبقه‌ای تصادفی گردآوری شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات خام با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS به تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس آماره‌های (آزمون T، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره، تحلیل عاملی، تحلیل مسیر) مبادرت گردید. چارچوب نظری مورد استفاده بر اساس یک دیدگاه ترکیبی شامل نظریات جامعه‌شناسی و جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد و مدل تحلیلی بر همین اساس ساخته شد. با آزمودن مدل تحلیلی تحقیق نتایج زیر به دست آمد: میانگین مشارکت سیاسی (۱۴/۸۳) از حداکثر (۲۷/۸۵) نمره است و بیش از نیمی از دانش‌آموزان (۵۴/۲ درصد) نمره‌ای کمتر از میانگین دارند. عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانش‌آموزان عبارتند از: عواملی که اثر مثبت دارند مانند (رضایت تحصیلی، رضایت سیاسی، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، رادیو داخلی، روزنامه و مجله، تعهد دینی و شیوه تربیتی خانواده) و عواملی که تأثیر منفی دارند مانند (رادیو خارجی، ماهواره و درآمد خانوار).

کلید واژه: مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، رضایت سیاسی، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۰

۱- مدرس دانشگاه پیام نور همدان و کارشناس تحقیقات آموزش و پرورش ناحیه ۲ همدان tayabi53@yahoo.com

۲- دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

۱- مقدمه

با تعمق در تعاریف توسعه سیاسی از دید صاحبان اندیشه سیاسی ملاحظه می‌شود که علی‌رغم تنوع معیارها و شاخص‌های توسعه سیاسی، در بسیاری از شاخص‌های اصلی در میان آنها اتفاق نظر وجود دارد. یکی از شاخص‌های مهم، مشارکت سیاسی است. پدیده مشارکت سیاسی سابقه‌ای طولانی و به قدمت عمر بشر دارد. از دوره یونان باستان به مسأله مشارکت توجه می‌شده، طوریکه ارسطو در طبقه‌بندی معروف خود از نظام‌های سیاسی، اولین شاخص را مشارکت کمتر یا بیشتر افراد در اخذ تصمیمات سیاسی می‌دانست. در حال حاضر نیز مشارکت سیاسی به موضوعات مهم و بحث‌برانگیز دنیای معاصر تبدیل شده است و به زعم بسیاری از اندیشمندان یکی از معیارهای اساسی رشد و توسعه یا نوسازی سیاسی به حساب می‌آید. فرآیند نوسازی که از قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی به تدریج در اروپا آغاز شد و کم‌کم به سراسر جهان گسترش یافت، دگرگونی‌های عمیقی را در تمام ابعاد تفکر و زندگی بشر، اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به بار آورد. تمایل به مشارکت گسترده‌تر مردمی همواره با افزایش آگاهی سیاسی و به کارگیری بیشتر نیروهای اجتماعی در سیاست، از این دوران آغاز شد و در عصر روشنگری و انقلاب صنعتی در قرون هیجدهم و نوزدهم به اوج خود رسید. در آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که همگان بر سر اینکه مشارکت سیاسی یکی از نمادهای اصلی نوسازی سیاسی است توافق کرده بودند. این توافق همگانی چندان نامعقول نبود، زیرا دموکراسی حتی از زمان ارسطو با بحث مشارکت توده‌ها در سرنوشت خویش گره خورده بود. هرچند مصادیق مشارکت سیاسی در تمدن‌های گذشته و کهن نیز وجود دارند، اما بحث از مشارکت به عنوان یک مسأله نظری و ملاک سنجش مشروعیت مختص دولت‌های مدرن است که به موازات تغییر در مفهوم سیاست و نظام سیاسی از قلمرو دولت به دایره وسیع‌تر عمل سیاسی صورت گرفته است (فیرحی، ۱۳۷۷، ۴۴). در متون اسلامی نیز می‌توان توصیه‌هایی از بزرگان را در خصوص اهمیت مشارکت مشاهده نمود. برای نمونه حضرت علی(ع) در نامه‌ای به مردم مصر خطاب به آنان می‌فرمایند: ای مردم مصر، نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی(ع) داریم. اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید. ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند. یکی از گروه‌های سنی مهم در فرایند مشارکت سیاسی جوانان هستند که اثرگذارترین و فعال‌ترین گروه‌های سنی نیز به حساب می‌آیند. در بسیاری از نظام‌ها بویژه نظام‌های در حال گذار جوانان اگر احساس همبستگی و نزدیکی با نظام داشته باشند، پیشتاز حمایت از نظام و پیشبرد اهداف آن هستند و اگر احساس همبستگی و نزدیکی با نظام نداشته باشند، است به دو صورت واکنش نشان دهند. در صورتی که احساس نمایند مشارکت سیاسی آنان تأثیرگذار است پیشتاز ایجاد تحول در نظام حاکم می‌گردند و در غیر این صورت بی‌تفاوتی و انفعال سیاسی را

پیشه خود خواهند ساخت (تاج مزینانی، ۱۳۸۲، ۱۲۴). در مطالعه مشارکت سیاسی از دو زاویه می‌توان به آن پرداخت. از یک طرف مشارکت سیاسی به عنوان متغیر مستقل که بر سایر پدیده‌ها اثر می‌گذارد در نظر گرفته می‌شود و از طرف دیگر به عنوان متغیر وابسته که متأثر از متغیرهای عامل می‌باشد به آن توجه می‌شود. در بررسی صورت‌گرفته، مشارکت سیاسی متغیر وابسته می‌باشد و برخی از عوامل تأثیرگذار بر آن مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲- بیان مسأله

چگونگی اداره جامعه از مسائل مهم حیات بشری است که ریشه در نیازهای طبیعی و اجتماعی وی دارد. واقعیت‌های زندگی انسانها نشان می‌دهد که زندگی آنان در تنهایی و انزوا ناممکن و ناپسند است. بر این اساس چگونگی تنظیم روابط اجتماعی و اداره اجتماعات از همان آغاز همواره مورد توجه انسانها بوده است. امروزه پس از میلیون‌ها سال تجربه حیات اجتماعی روش‌های اداره جوامع به لحاظ شکل و محتوا یک روند رو به کمال را طی کرده است. محوری‌ترین تفاوت این روشها را اصل مشارکت تعیین می‌کند. فعالیت گروه در گرو مشارکت اعضا است و مشارکت اعضا هويت زندگی گروهی را تداوم می‌بخشد. هربرت اسپنسر جامعه‌شناس انگلیسی با ارائه قیاس انداموارگی میان بدن و جامعه و ضرورت مشارکت اعضا در بدن این قضیه را بدیهی می‌شمارد که جامعه هنگامی وجود دارد که مشارکت، به پدیده درکنار هم بودن افزوده شود (دورکیم، ۱۳۷۳، ۴۴). مشارکت از ابعاد مختلفی قابل طرح و بررسی است. یکی از این ابعاد مشارکت سیاسی است. مشارکت در امور سیاسی در درجه نخست از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد. عنصر اجتماعی در جامعه علایق مشترکی را پدید می‌آورد که حفظ و پاسداری از آنها امر مشارکت را برای هر یک از افراد جامعه، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. طوری که گفته می‌شود مشارکت کامل و خلاق در بعد سیاسی و اجتماعی شرط لازم برای بقاء نظام اجتماعی است. در این نوع مشارکت همه افراد، گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها در امور مورد توجه خودشان در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی شرکت دارند. مشارکت را باید هم هدف و هم وسیله و یکی از نیازهای اساسی بشر دانست (کائوتوری، ۱۳۷۹، ۳).

مایکل راش درگیر شدن فرد در سطوح مختلف در نظم سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند. وی با در نظر گرفتن تمایز سه رویکرد اساسی نخبه‌گرایی، کثرت‌گرایی و مارکسیستی در جامعه‌شناسی سیاسی، سه معنای متمایز برای مشارکت سیاسی قائل شده است. در حالی که در نظریه نخبگان مشارکت سیاسی بیشتر محدود به نخبگان است و از توده‌ها تصویری غیرفعال و ابزار دست نخبگان ارائه می‌شود. در نظریه کثرت‌گرایی، مشارکت سیاسی به علت تأثیر در تعیین سیاست‌ها و توزیع قدرت به مثابه کلید رفتار سیاسی به شمار می‌رود. همچنین

در رویکرد مارکسیستی مشارکت سیاسی به معنای آگاهی طبقات از وضع خودشان است که سرانجام سیاسی شدن آنها را به دنبال خواهد آورد (راش، ۱۳۷۷، ۱۲۳).

آغاز مطالعات مربوط به مشارکت سیاسی را می‌توان در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ جستجو کرد که در این مطالعات، عمده تأکید بر رفتار رأی‌دهی و مشارکت انتخاباتی در شکل مبارزات انتخاباتی یا حزبی بود (تاج مزینانی، ۱۳۸۲، ۱۲۵). برخی از اندیشمندان و فلاسفه سیاسی نیز بر این امر متفق- القولند که شرکت در عرصه‌های انتخاباتی یکی از مظاهر بارز و عینی مشارکت سیاسی عمومی در جوامع مختلف می‌باشد. اما در خصوص اینکه آیا مشارکت کیفی عموم افراد واجد شرایط در عرصه- های انتخاباتی امری پسندیده و یا مذموم می‌باشد دچار اختلاف هستند. برخی مانند روسو^۱ و جان استوارت میل^۲ معتقدند که افزایش مشارکت عمومی در فعالیت‌های سیاسی باعث رشد آموزش و تربیت عمومی از طریق بهبود و تعمیق مفهوم زندگی و ارزش روابط انسان‌ها با یکدیگر می‌گردد. از سوی دیگر برخی از اندیشمندان بی تفاوتی و عدم رغبت به حضور در عرصه‌های سیاسی را نمایانگر رضایت افراد و عامل ثبات در جامعه قلمداد نموده و درصد بالای مشارکت سیاسی عمومی جامعه را عامل بی‌ثباتی که حاکی از مشکلات اساسی در ساختار سیاسی حکومت است تلقی می‌نمایند. این اندیشمندان به عنوان شاهد مدعی خویش، به جمهوری وایمار در میان سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ در آلمان اشاره می‌کنند.

در فرآیند مشارکت سیاسی افراد به مناسک تعاملی خود معنا می‌دهند و به فهم مشترکی دست می‌یابند به همین دلیل است که هایدگر جهان انسانی را جهانی مشترک میان او و دیگران می‌داند. انسان وجود خود را خارج از وجود خویش و در ارتباط با دیگران می‌شناسد و با تصمیم‌گیری و طرح‌ریزی زمان را با کار و عمل خود پر می‌کند (فراستخواه، ۱۳۷۷، ۵۰).

مشارکت یک تجربه یادگیری است که شهروند را نه تنها از حقوق خود بلکه آگاه از وظایف و مسئولیت‌هایش پرورش می‌دهد. چنین دیدگاهی در نوشته‌های ارسطو، جان استوارت میل، توکویل و روسو یافت می‌شود. جامعه‌ای که در آن بخش بزرگی از جمعیت بیرون از حوزه سیاست باشند بطور بالقوه انفجاری‌تر از جامعه‌ای است که در آن بیشتر شهروندان به طور منظم در فعالیت‌هایی دخالت می‌کنند که برخی مفهوم مشارکت در تصمیم‌گیری را به آن می‌دهند (Lipset, 1963, 18). بنابراین یکی از متغیرهای مهم در تبیین مشارکت سیاسی جامعه‌پذیری بطور عام و جامعه‌پذیری سیاسی بطور خاص است. در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی افراد ارزش‌های مشارکت سیاسی را درونی می‌کنند و از طریق عوامل مختلف جامعه‌پذیری (خانواده، دوستان، مدرسه، رسانه‌ها و ...) رفتارهای سیاسی را یاد

1-Rousseau

2-John Stuart Mill

می‌گیرند که در نهایت در مشارکت سیاسی تجلی می‌یابد. حال اگر بین این عوامل تضاد وجود داشته باشد در جهت‌گیری دانش‌آموزان در زمینه مشارکت سیاسی ممکن است تغییراتی بوجود آید با کمی تعمق در مطالعات انجام‌شده می‌توان به این مهم پی برد. بر اساس مطالعات انجام‌شده یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیری در استان همدان خانواده است و بیشتر افراد در اکثر اوقات با اعضای خانواده خود مشورت و همفکری دارند و به ندرت با آنها اختلاف و بگو و مگو دارند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۰، ۲۳-۲۴۲). بر همین اساس می‌توان گفت که نوع جامعه‌پذیری که در خانواده اتفاق می‌افتد در جهت‌گیری رفتار اعضای خانواده مؤثر است. همین مطالعات نشان می‌دهند که نوع جامعه‌پذیری که از طریق دوستان (بویژه برای جوانان) اتفاق می‌افتد نیز حائز اهمیت است. لذا توجه به مسائل سیاسی در این فرایند می‌تواند مفید باشد. در برخی از شاخص‌های مشارکت سیاسی استان همدان از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. به عنوان مثال گوش‌دادن و نگاه‌کردن به برنامه‌های سیاسی از طریق رادیو و تلویزیون یکی از شاخص‌های مشارکت سیاسی است که در این پژوهش از آن استفاده شده است. نتایج یافته‌های رفتارهای فرهنگی ایرانیان نشان می‌دهد که تنها (۱/۹ درصد) از شهروندان همدانی به برنامه‌های سیاسی از طریق رادیو گوش می‌دهند (رفتارهای فرهنگی ایرانیان، ۱۳۸۱، ۱۰۲-۸۸). بر این اساس می‌توان گفت مشارکت سیاسی در بین شهروندان استان همدان در زمینه شاخص‌هایی که حالت داوطلبانه دارند پایین است. با این توضیح در این بررسی در صدد هستیم تا مشارکت سیاسی دانش‌آموزان دوره متوسطه را در استان همدان با توجه به تأثیرگذار بودن آنها در آینده نظام سیاسی ایران مورد توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی قرار دهیم.

از این رو توجه به سؤالات زیر ضروری است:

- ۱- مشارکت سیاسی دانش‌آموزان به چه میزان است؟
- ۲- آیا تفاوت معناداری بین مشارکت سیاسی دانش‌آموزان دختر و پسر وجود دارد؟
- ۳- آیا بین شیوه تربیتی خانواده، رضایت تحصیلی، رضایت سیاسی، تقدیرگرایی، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، تعهد دینی، وسایل ارتباط جمعی، منزلت شغلی والدین، تحصیلات والدین، درآمد خانوار، انجمن‌های ارادی، و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۴- کدامیک از متغیرهای شیوه تربیتی خانواده، رضایت تحصیلی، رضایت سیاسی، تقدیرگرایی، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، تعهد دینی، وسایل ارتباط جمعی، منزلت شغلی والدین، تحصیلات والدین، درآمد خانوار، انجمن‌های ارادی، بیشتر مشارکت سیاسی را تبیین می‌کنند؟

۳- چارچوب نظری مشارکت سیاسی

نظریه راهنمای محقق می‌باشد و او را در مسیر مشخصی هدایت می‌کند. قضایایی از نظریه بر

می‌خیزد که محور اصلی تحلیل داده را تشکیل می‌دهند (دواس، ۱۳۷۶، ۳۴). به زعم ترنر نظریه‌ها شرحی بر چگونگی و چرایی رخ‌دادن حوادث هستند. از این رو، نظریه‌های جامعه‌شناختی، شرحی بر این موارد هستند که انسانها چگونه رفتار می‌کنند ارتباط برقرار می‌کنند و خودشان را سازماندهی می‌کنند (Turner, 1998, 1).

در علوم اجتماعی کمتر نظریه‌ای را می‌توان یافت که به طور جامع به تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی بپردازد. هر نظریه‌ای معمولاً بر جنبه‌ای از مسائل اجتماعی تأکید کرده و مسائل دیگر را نادیده می‌گیرد. بنابراین در این بررسی از مدل نظری ترکیبی استفاده شده است که شامل نظریه‌های هانتینگتون و نلسون، کن براون، میلبراث و گوئل، دال، لرنر، کوهن و نظریه جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد.

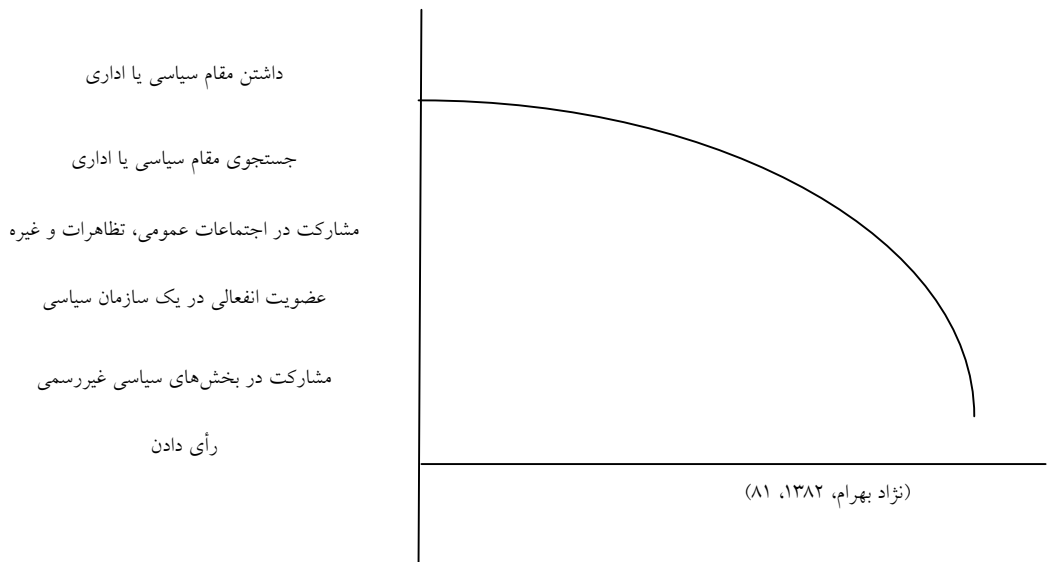
هانتینگتون و نلسون در مدل خود به مشارکت در نظام سیاسی توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. به نظر آنها دو عامل اساسی در افزایش مشارکت سیاسی افراد جامعه دخالت دارند یکی نخبگان و دیگری توسعه اقتصادی - اجتماعی است. نخبگان جامعه برای بقا خود در مسند قدرت اقتصادی و اجتماعی نیز به دو صورت باعث مشارکت سیاسی افراد می‌شود. اول اینکه باعث تحرک اجتماعی افراد جامعه شده و در پی آن کسب منزلت‌های بالاتر و احساس کارایی سیاسی را در افراد جامعه موجب می‌شود که در نهایت این فرایند فرد را به مشارکت سیاسی بیشتر رهنمون می‌کند. دوم اینکه توسعه اقتصادی - اجتماعی موجبات انسجام و تضاد گروهی را فراهم کرده که این مسأله باعث افزایش آگاهی گروهی و دخالت بیشتر افراد در فعالیت‌های سازمانی و در نهایت مشارکت سیاسی می‌شود. به نظر این دو محقق در دراز مدت می‌توان بین این متغیرها و مشارکت سیاسی رابطه قابل قبولی برقرار کرد و در کوتاه مدت متغیرهای دیگری چون مهاجرت، علائق مذهبی و غیره مطرح می‌شود. بطور کلی از نظر هانتینگتون و نلسون مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در مشارکت سیاسی عبارتند از وضعیت اقتصادی - اجتماعی، عضویت در اتحادیه، احزاب و انجمن‌های مختلف حزبی و غیرحزبی، آگاهی حزبی و گروهی، وابستگی به گروه‌های قومی و مذهبی، سطح آموزش (مشارکت بیشتر باسوادها نسبت به بی‌سوادها)، جنسیت (مشارکت بیشتر مردان نسبت به زنان)، نوع اجتماع (مشارکت بیشتر اجتماع شهری نسبت به اجتماع روستایی) و منزلت اجتماعی می‌باشند (Huntington and Nelson, 1976, 163).

کن براون در مطالعه‌ای که در جامعه انگلستان انجام داده است به این نتیجه می‌رسد که عوامل مختلفی باعث مشارکت انتخاباتی مردم می‌شوند. این عوامل تأثیرگذار عبارتند از: خانواده - محل سکونت، ریشه‌های قومی، تصورات حزبی، وسایل ارتباط جمعی، طبقه اجتماعی و دین. به زعم وی هر کدام از این عوامل بر چگونگی رفتار رأی‌دهندگی افراد تأثیر می‌گذارند.

بندورا از دو عامل فردی (اعتماد به نفس) و ساختاری (اعتماد به محیط سیاسی) به‌عنوان عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی نام می‌برد و بر آن است که هر گاه اعتماد به دولت و اعتماد به نفس بالا باشد رفتار مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد در غیر این صورت شقوق دیگری از رفتارها بروز می‌- نماید که خارج از رفتار مشارکت جوینده سیاسی می‌باشد (Browne, 1994).

میلبراث^۱ سلسله مراتبی از مشارکت به ترتیبی که در نمودار ۱- آمده است را ارائه می‌کند. در این سلسله مراتب پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رأی‌دادن در انتخابات می‌باشد.

نمودار ۱: سلسله مراتب مشارکت سیاسی از دیدگاه میلبراث



میلبراث و گوئل مشارکت سیاسی جوانان را امری عقلانی و معطوف به هدف می‌دانند. به نظر آنها مهمترین متغیرهایی که در مشارکت سیاسی جوانان مؤثرند عبارتند از: انگیزه‌های سیاسی، مرکزیت اجتماعی، موقعیت اجتماعی (میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت) و ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی، مهارت‌ها، منابع و تعهد (راش، ۱۳۷۷، ۱۲۵).

دال^۲ درصدد بود تا به این سؤال اساسی که عقاید سیاسی تا چه اندازه عمل سیاسی افراد یک جامعه را تعیین می‌نماید پاسخ دهد. به زعم وی برای فهم میزان تأثیر عقاید در عمل سیاسی ابتدا لازم است عوامل تعیین‌کننده عقاید بویژه عقاید فعالان سیاسی جامعه بررسی شود. خلاصه نظر او به

1-Milbrath

2-Dahl

صورت زیر است.

عوامل تعیین‌کننده عقاید ← عقاید سیاسی ← اعمال سیاسی ← احتمالاً رژیم‌های سیاسی
وی چهار عامل را به عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری عقاید سیاسی در دوره رشد شخصیتی بر
می‌شمارد:

۱- جامعه‌پذیری و تحت تأثیر قرار گرفتن قهری کودک و نوجوان به دلیل تولد در یک اندیشه و
عقیده حاکم (از طریق خانواده، مدرسه، مذهب، محل کار و گروه‌های همسن و سال)
۲- پرستیژ و احترام یک عقیده یا تفسیری از یک عقیده و مذهب نیز ممکن است موجب
گرایش جوانان به آن عقیده شود.

پرستیژ و محبوبیت ازدوره موجب جذب جوانان می‌شود:
الف) دستاوردهای نسبی یک عقیده و مذهب که در قالب نهادها و سازمان‌های عینی جامعه
مجسم می‌شود.

ب) اعتبار و نفوذ طرفداران یا حاملان آن عقیده یا تفسیری از آن عقیده
۳- سازگاری عقیده جدیدی مثل تکثرگرایی با عقاید پیشین و بنیادی فرد. به نظر دال یکی از
عوامل مهم برای امکان کسب و قبول یک اندیشه، میزان سازگاری یا ناهمسازی آن با عقاید پیشین
است.

۴- میزان سازگاری یا ناهمسازی عقاید با تجربه شخصی فرد (فیرحی، ۱۳۷۷، ۵۹-۵۸).
لرنز عامل مشارکت را در بسیج اجتماعی جستجو می‌کرد به نظر وی بسیج اجتماع زمانی می-
تواند گسترش یابد که فرد از یک ظرفیت شخصیتی همدلی برخوردار باشد (Lerner, 1958, 49).
از نظر وی عوامل مؤثر در تکوین و گسترش مشارکت عبارتند از میزان شهرنشینی، گسترش
سواد، دسترسی به رسانه‌ها یا وسایل ارتباط جمعی (مقدس جعفری، ۱۳۸۱، ۱۶۵).
در نظریات مربوط به جامعه‌پذیری ارزش‌ها و طبقه اجتماعی نظریه کوهن^۱ از جامع‌ترین و
دقیق‌ترین زمینه نظری برخوردار است.

کوهن بر شغل به عنوان برجسته‌ترین جنبه طبقه اجتماعی تأکید ورزید و تفاوت‌های بین رفتار
اجتماعی کردن والدین طبقه متوسط و طبقه پایین را بازتابی از تأثیر عمیق و نسبتاً پایدار تفاوت‌های
ارزشی بین دو طبقه اجتماعی می‌پندارد. بر اساس تفسیر کوهن مناسبات طبقاتی بر پایه تأثیرات
تراکمی تجربه تحصیلی و شغلی ساخته می‌شوند. به عبارت دیگر تحصیلات از آن جهت به این
موضوع یعنی رابطه میان طبقه اجتماعی و ارزش‌ها ارتباط پیدا می‌کند که می‌تواند در فراهم‌آوردن
آمادگی و ظرفیت خود رهبری در شغل مؤثر باشد و شغل از آن رو در این موضوع اهمیت دارد که

می‌تواند اعمال تجربه خود رهبری را در حوزه بسیار مهمی از زندگی یعنی کار پدید آورد. وی همچنین در طرح نظری‌اش به رابطه میان ارزش‌های والدین و رفتار آنها می‌پردازد. بر این اساس است که جهت‌گیری‌های ارزشی والدین در سبک‌ها یا شرایط تربیتی که آنان اعمال می‌کنند منعکس می‌شود (دهستانی، ۱۳۸۰، ۵۶-۵۴).

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی است که در زمینه تبیین رفتارهای سیاسی (مشارکت) کاربرد زیادی دارد. اندیشمندان جامعه‌پذیری سیاسی را فرایند مستمر یادگیری رفتارها، اندیشه‌ها و نگرش‌های سیاسی می‌دانند. فرایندی که به موجب آن افراد ضمن آشناسدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نشانه‌های خویش در جامعه پی می‌برند (قوم، ۱۳۷۴، ۷۷). جامعه‌پذیری مؤثر می‌تواند به بسیج توده‌ها و فراهم‌کردن زمینه مشارکت آنها منجر می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی معمولاً از طریق عوامل اولیه و ثانویه صورت می‌گیرد. عوامل مورد نظر در این پژوهش عبارتند از: عوامل اولیه (خانواده و گروه‌های همسن) عوامل ثانویه (محیط‌های آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، انجمن‌های ارادی، دین و نهادهای دینی) این عوامل از سه طریق تقلید، آموزش و انگیزش بر رفتار سیاسی افراد تأثیر گذاشته و باعث می‌شوند که افراد به لحاظ سیاسی منفعل یا فعال باشند (فیروزجائیان، ۱۳۸۰، ۷۷).

برای انجام یک پژوهش، روش‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آنها روش پیمایش^۱ می‌باشد و در این پژوهش بکار گرفته شده است. پیمایش معمولاً در مقیاس وسیع انجام می‌شود و نقطه مقابل تجربیات آزمایشگاهی است که هدف آن تمرکز بیشتر در مقیاس کوچکتر است (اوپنهایم، ۱۳۶۹، ۱۰). معمولاً در هر پژوهش، جامعه مورد بررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است درباره صفت (صفت‌های) متغیر واحدهای آن به مطالعه بپردازد (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹، ۱۷۷). در این بررسی جامعه آماری عبارتست از تمامی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در استان همدان که ۹۳۶۶۱ نفر می‌باشد. حجم نمونه بر اساس جدول لین (Line, 1978, 387) با خطای (۰/۰۵) ۳۸۱ نفر می‌باشد.

یکی از راه‌های جلوگیری از اریب در نمونه انتخاب روش مناسبی برای نمونه‌گیری است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و طبقه‌ای متناسب استفاده شده است. در روش خوشه‌ای ابتدا خوشه‌های اصلی انتخاب شدند که شامل مناطق برخوردار، نیمه برخوردار و محروم از لحاظ امکانات آموزشی بودند. بر اساس دستورالعمل طرح ارزشیابی حوزه معاونت آموزش و پرورش عمومی مناطق ۱۹ گانه آموزشی طبق جدول ۱- در سه خوشه نامبرده تقسیم شده‌اند.

جدول ۱: تقسیم بندی خوشه‌های اصلی و فرعی

خوشه‌های اصلی	خوشه‌های فرعی
برخوردار	ناحیه ۱ و ۲ همدان، ملایر، نهاوند، تویسرکان
نیمه برخوردار	اسدآباد، بهار، رزن، کبودرآهنگ، لالچین، جوکار، خزل، سامن، قروه درجزین، فامنین
محروم	سرد رود، قلقلرود، قهاوند، گل تپه

در مرحله دوم بطور تصادفی از خوشه‌های اصلی برخوردار ۲ خوشه فرعی، نیمه برخوردار ۴ خوشه فرعی و محروم ۲ خوشه فرعی انتخاب شد. این خوشه‌های فرعی در جدول ۲- نشان داده شده است.

جدول ۲: انتخاب تصادفی خوشه‌های فرعی

خوشه‌های اصلی	خوشه‌های فرعی
برخوردار	ناحیه ۲ همدان، ملایر
نیمه برخوردار	اسدآباد، رزن، لالچین، خزل
محروم	قلقلرود، قهاوند

در مرحله سوم از میان ۸ خوشه انتخاب شده با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب اقدام به انتخاب تصادفی نمونه‌ها گردید. در این روش، واحدهای جامعه مورد مطالعه، در طبقه‌هایی که از نظر صفت متغیر همگن‌تر هستند گروه‌بندی می‌شوند، تا تغییرات آنها در درون گروه‌ها کمتر شود. پس از آن از هر یک از طبقه‌ها تعدادی نمونه انتخاب می‌شود (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹، ۱۸۴). به منظور همگن‌کردن جامعه آماری، دانش‌آموزان مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی در مناطق ۸ گانه انتخاب شده، بر اساس جنسیت (دختر و پسر)، مقطع (متوسطه، پیش‌دانشگاهی) طبقه‌بندی شده‌اند. در نمونه‌گیری طبقه‌ای حجم نمونه (n) را به شیوه‌های مختلف می‌توان میان طبقه‌ها تقسیم کرد. ساده‌ترین شیوه، تقسیم مساوی تعداد نمونه میان طبقه‌هاست. سایر شیوه‌ها شامل: انتساب بهینه و انتساب متناسب (همان) یا نسبی^۱ و غیرنسبی^۲ (ساروخانی، ۱۳۷۳، ۱۶۳)، متناسب و نامتناسب (رفیع-پور، ۱۳۷۴، ۳۸۹) می‌باشد. در این بررسی از روش اختصاص بهینه، نسبی و یا متناسب استفاده شده است. در برخی از مناطق آموزش در طبقه پیش‌دانشگاهی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، به علت پایین بودن تعداد جامعه آن طبقه کسی انتخاب نشد. برای جبران این مسأله حداقل ۲ نفر برای این طبقات انتخاب شده‌اند. بنابراین حجم نمونه نهایی به ۳۹۸ نفر افزایش یافت.

1-proportional

2-unproportional

برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد^۱ ابزار اندازه‌گیری، شیوه‌های مختلفی بکار برده می‌شود که یکی از شیوه‌ها روش آلفای کرونباخ است.

در روش آلفای کرونباخ آماره آلفا شاخص پایایی کل مقیاس است که باید مقدار آن حداقل ۰/۷۰ باشد. نتایج نهایی بدست‌آمده پس از تغییر برخی از گویه‌های ناهمساز برای آزمون مقدماتی با استفاده از روش آلفای کرونباخ در جدول ۳- نشان داده شده است.

جدول ۳: ضرایب آلفای کرونباخ برای مشارکت سیاسی و متغیرهای مؤثر بر آن

نام متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
شیوه تربیتی خانواده	۶	۰/۷۵
رضایت تحصیلی	۵	۰/۷۲
رضایت سیاسی	۶	۰/۷۵
تقدیرگرایی	۵	۰/۷۱
تعهد دینی از بعد عقیدتی	۴	۰/۸۱
دوستان سیاسی	۶	۰/۸۵
خانواده سیاسی	۵	۰/۸۳
مشارکت سیاسی	۷	۰/۸۵

مفهوم اعتبار^۲ به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه موردنظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت نتایج داده‌های آن اطمینان داشت (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹، ۱۷۵).

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه است و سؤالات آن که به منظور سنجش مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن طراحی شده است اعتبار آن از طریق مشاوره با اساتید فن و تأیید نهایی توسط آنها مشخص گردید.

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان از نظر جنسیت متفاوت است.
- بین سن دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد.
- میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان از نظر رشته تحصیلی متفاوت است.
- بین میزان تحصیلات والدین و میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

- میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان از نظر محل سکونت متفاوت است.
- بین میزان درآمد خانواده و میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان از نظر قومیت متفاوت است.
- بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- بین میزان رضایتمندی تحصیلی دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد.
- بین شیوه تربیتی خانواده دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- بین میزان رضایتمندی سیاسی دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان سیاسی بودن خانواده دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان سیاسی بودن دوستان دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تعهد دینی دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تقدیرگرایی دانش‌آموزان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد.

۶- یافته های تحقیق

از نظر توزیع، میانگین تحصیلات والدین (۱۲/۲۰) کلاس بوده و بیشتر والدین دانش‌آموزان (۵۸/۷ درصد) نمره‌ای پایینتر از میانگین دارند. یعنی تحصیلات والدین دانش‌آموزان از وضعیت خوبی برخوردار نیست.

از نظر قومیتی بیشتر دانش‌آموزان (۳۶/۹ درصد) فارس و کمترین آنها (۱/۳ درصد) از سایر اقوام (غیر از اقوام مطرح در استان) هستند.

از نظر درآمد ماهیانه خانوار میانگین درآمد (۴۱۵/۰۵) هزار تومان از حداکثر ۲ میلیون تومان بوده و بیشتر دانش‌آموزان (۵۸/۳ درصد) درآمد خانوارشان زیر میانگین است. یعنی خانواده‌های اکثر دانش‌آموزان درآمد نسبتاً پایینی دارند.

انجمن‌های ارادی یکی از گروه‌هایی است که افراد بصورت آزادانه و اختیاری به عضویت آن در می‌آیند. این انجمن‌ها در این بررسی شامل (انجمن اسلامی، بسیج دانش‌آموزی، شورای دانش‌آموزی، سازمان دانش‌آموزی) است. بیشترین مشارکت در انجمن‌های ارادی مربوط به بسیج دانش‌آموزی می‌شود که (۶۳/۵ درصد) دانش‌آموزان در آن عضویت دارند و (۱۴/۷ درصد) نیز با آن همکاری می‌کنند. در حالیکه کمترین مشارکت در این انجمن‌ها مربوط به شورای دانش‌آموزی است که (۱۶/۶ درصد) دانش‌آموزان در آن عضویت دارند و (۲۳ درصد) نیز با آن همکاری می‌کنند.

وسایل ارتباط جمعی در عصر ارتباطات تأثیر ناگزیری بر روند تحولات سیاسی دارند. از میان این وسایل تلویزیون از جایگاه نسبتاً مناسبی در بین دانش‌آموزان برخوردار است، طوری که بیشتر آنها (۳۴ درصد) در طول شبانه روز بین ۱ تا ۳ ساعت به تماشای تلویزیون می‌پردازند. در بین سایر وسایل ارتباطی تنها استفاده از روزنامه و مجله از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است. بدین صورت که (۵۷/۸ درصد) دانش‌آموزان در طول شبانه روز کمتر از ۱ ساعت از این وسیله ارتباطی استفاده می‌کنند.

شیوه تربیتی به دو صورت خود راهبر و همنوایی بررسی شده است. بیشتر دانش‌آموزان (۵۶ درصد) به صورت همنوا تربیت می‌شوند. این مسأله حکایت از آن دارد که هنوز شیوه‌های سنتی در تربیت افراد در استان همدان متداول‌تر است.

میانگین رضایت تحصیلی (۱۹/۲۵) از حداکثر ۲۵ نمره بوده و تقریباً نیمی از دانش‌آموزان (۵۰/۳ درصد) نمره‌ای بالاتر از میانگین داشته، یعنی تقریباً نیمی از دانش‌آموزان، از تحصیلات خود راضی هستند.

میانگین رضایت سیاسی (۱۵/۶۶) از حداکثر ۲۷ نمره بوده و بیشتر دانش‌آموزان (۵۸ درصد) نمره‌ای پایین‌تر از میانگین داشته، یعنی بیشتر دانش‌آموزان، از نظام سیاسی رضایت ندارند. تقدیرگرایی یعنی گرایش به این مسأله که انسان در سرنوشت خود هیچ دخالتی ندارد که البته با معنای دینی آن «قضا و قدر» متفاوت می‌باشد. در اینجا معنای عام آن مدنظر است در این معنا منشأ همه کارهای خوب و بد انسان خود خدا است. میانگین تقدیرگرایی (۱۲/۲۳) از حداکثر ۲۵ نمره بوده و تقریباً بیشتر دانش‌آموزان (۵۳/۳ درصد) نمره‌ای کمتر از میانگین دارند. به عبارت دیگر تقریباً بیشتر دانش‌آموزان تقدیرگرا نیستند.

تعهد دینی که نشان‌دهنده پایبندی افراد به ارزش‌های دینی است از دو بعد عقیدتی و مناسکی بررسی شده است. میانگین تعهد دینی عقیدتی (۱۶/۵۱) از حداکثر ۲۰ نمره است و بیشتر دانش‌آموزان (۶۶/۸ درصد) نمره‌ای بیشتر از میانگین دارند. یعنی بیشتر دانش‌آموزان از نظر عقیده به ارزش‌های دینی خود پایبند هستند. درحالی که میانگین تعهد دینی مناسکی (۷/۱۴) از حداکثر ۹ نمره است و تقریباً نیمی از دانش‌آموزان (۵۰/۶ درصد) نمره‌ای بیشتر از میانگین دارند. یعنی تقریباً نیمی از دانش‌آموزان از بعد رفتاری و مناسکی به ارزش‌های دینی خود پایبند هستند.

دانش‌آموزان در مرحله حساسی از زندگی خود قرار دارند یعنی ضمن برخورداری از آموزش‌های محیط خانواده از آموزش‌های محیط مدرسه نیز بی‌بهره نیستند. از اینرو گاهی آموزش‌های دوگانه این دو عامل و کارگزار مهم جامعه پذیری می‌تواند به مسأله تعارض نقش‌ها منجر گردد. از بعد سیاسی این دو عامل در قالب خانواده و دوستان سیاسی سنجیده شده‌اند. میانگین خانواده سیاسی

(۱۴/۴۴) از حداکثر ۲۵ نمره بوده و تقریباً بیشتر دانش‌آموزان (۵۲/۱ درصد) نمره‌ای بالاتر از میانگین دارند. به عبارت دیگر نیمی از دانش‌آموزان دارای خانواده‌ای سیاسی هستند. همچنین میانگین دوستان سیاسی (۱۵/۲۳) از حداکثر ۳۰ نمره بوده و تقریباً بیش از نیمی از دانش‌آموزان (۵۰/۶ درصد) نمره‌ای بالاتر از میانگین دارند. به عبارت دیگر بیش از نیمی از دانش‌آموزان دارای دوستانی سیاسی هستند. میانگین مشارکت سیاسی (۱۴/۸۳) از حداکثر ۲۷/۸۵ نمره است و بیش از نیمی از دانش‌آموزان (۵۴/۲ درصد) نمره‌ای کمتر از میانگین دارند. یعنی بیش از نیمی از دانش‌آموزان کمتر در امور سیاسی مشارکت دارند.

نتایج جدول ۵- بیانگر رابطه متغیرها با مشارکت سیاسی می‌باشد. بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر میزان مشارکت سیاسی تفاوت عمده و معناداری وجود ندارد. این نشان‌دهنده آنست که مشارکت یا عدم مشارکت در شرایط فعلی تنها اختصاص به یک جنس نداشته و هر دو جنس از این نظر احساس مسؤولیت می‌کنند.

از نظر سن، تفاوت معناداری در میزان مشارکت سیاسی سنین مختلف وجود ندارد. البته شاید یکی از دلایل این مسأله دامنه محدود سنین در این بررسی بواسطه ماهیت آن بوده و دلیل دیگر احتمالاً در ارتباط با مهم بودن یا عدم اهمیت مشارکت سیاسی برای بیشتر گروه‌های سنی است. رشته دانش‌آموزان در میزان مشارکت سیاسی آن تأثیر معناداری نداشته، یعنی تمامی رشته‌های مقطع متوسطه به یک نسبت به مشارکت سیاسی اهمیت می‌دهند.

اما از نظر پایه تحصیلی مشارکت سیاسی در پایه‌های مختلف تفاوت معناداری دارد. بدین صورت که بیشترین مشارکت از آن پایه اول است و کمترین مشارکت نیز به پایه سوم اختصاص دارد. میزان تحصیلات والدین و منزلت شغلی آنها با میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان رابطه معناداری ندارد. شاید یکی از دلایل این مسأله تأثیرپذیری دانش‌آموزان از گروه‌های مرجعی خارج از خانواده و یا گروه همسالان باشد.

گروه‌های قومی از نظر میزان مشارکت سیاسی تفاوت معناداری با هم دارند. بدین صورت که بیشترین میزان مشارکت مربوط به قوم لک و کمترین مشارکت نیز از آن قوم کرد می‌باشد. قومیت کرد با توجه به پیشینه نه چندان مطلوب خود در نظام سیاسی، گرایش بیشتری به انزوا طلبی دارد و احتمالاً به همین دلیل جامعه‌پذیری سیاسی در خانواده‌های این گروه مغفول مانده است.

با افزایش درآمد خانواده‌ها، میزان مشارکت سیاسی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد. در برخی از شاخص‌های مشارکت سیاسی مانند بسیج عمومی و ایجاد نهضت‌های انقلابی تجارب این گونه نهضت‌ها در اکثر نقاط دنیا حاکی از آن است که موتور حرکت این نهضت‌ها توده مردم و کم درآمد بوده‌اند، درحالی که ایدئولوژی حاکم بر آنها از طرف نخبگان و کاریزماهای سیاسی سازماندهی می‌-

شده است.

از میان مناطق ۱۹ گانه مورد بررسی بیشترین مشارکت سیاسی را قهاوند و کمترین مشارکت نیز ناحیه ۲ همدان داشته‌اند. نوع روابط حاکم بر اجتماعات کوچکی مانند قهاوند به گفته تونیس^۱ (روشه، ۱۳۷۵، ۴۲) از نوع روابط جماعتی است. جماعت یک کل ارگانیک است که در بطن آن زندگی و منافع اعضاء با زندگی و منافع جمع یکی می‌شود. و اینجاست که مشارکت سیاسی در این گروه رنگ جمعی به خود گرفته و گاهی حالت قومی و قبیله‌ای به خود می‌گیرد. در حالی که نوع روابط حاکم بر اجتماع بزرگتری مانند همدان از نوع جامعه‌ای می‌باشد. بر خلاف جماعت در جامعه روابط بین اشخاص بر پایه منافع فردی است و طبعاً این نوع روابط از نوع رقابت، سبقت‌جویی و یا حداقل نوعی از روابط اجتماعی است که بر اساس بی‌تفاوتی در مورد دیگران است. بنابراین مشارکت سیاسی کمتر تحت تأثیر وجدان جمعی‌ای که مورد نظر دورکیم است قرار می‌گیرد و بیشتر جنبه شخصی به خود می‌گیرد.

انجمن‌های ارادی با مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مثبتی دارد. یعنی با افزایش مشارکت دانش‌آموزان در این انجمن‌ها، مشارکت سیاسی آنها نیز افزایش می‌یابد. حداقل فایده‌ای که این انجمن‌ها دارند آنست که افراد را به همبستگی و مشارکت در تصمیم جمعی که خود عامل مهمی در مشارکت در سیاست می‌باشد، تشویق می‌نمایند.

جامعه‌پذیری فرآیندی است که فرد بواسطه آن و از طریق عاملان آن هنجارهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را یاد می‌گیرد. آنچه که در این پژوهش حائز اهمیت بوده، جامعه‌پذیری سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی یک نوع رابطه است بین فرد و سیستم سیاسی که او در آن زندگی می‌کند. شخص در نتیجه ارتباط با سیستم سیاسی و گروه‌ها و افرادی که قسمتی از آن محسوب می‌شوند، جهان‌بینی سیاسی خود را شکل می‌بخشد (داوسون و دیگران، ۱۳۸۲، ۴۲). یکی از عوامل و یا کارگزاران جامعه‌پذیری بطور عام و جامعه‌پذیری سیاسی بطور خاص خانواده می‌باشد. به طور کلی خانواده به عنوان مهمترین منبع جامعه‌پذیری محسوب می‌شود. نتایج این بررسی نشان داد که بین خانواده سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد. یعنی با افزایش میزان سیاسی بودن خانواده‌های دانش‌آموزان مشارکت سیاسی آنها نیز افزایش می‌یابد. همچنین هر چه شیوه تربیتی خانواده بصورت خود راهبر باشد که آزادی عمل در آن بیشتر می‌باشد، مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

دوستان و یا گروه همسالان یکی دیگر از عوامل جامعه‌پذیری سیاسی هستند. نتایج این پژوهش

نشان داد که هرچه دوستان دانش‌آموزان، سیاسی باشند مشارکت سیاسی آنها، افزایش می‌یابد. روابطی که دوستان نزدیک با هم دارند برایشان ارزشمند است.

روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون، مجلات و سایر وسائل ارتباط جمعی، اشکال مختلف پیام را انتقال می‌دهند که بر روی جهت‌گیری‌های سیاسی تأثیر می‌گذارند. همه اطلاعات روزانه درباره حوادث و جریان‌های سیاسی و ارزیابی و تحلیل این وقایع از دولت به شهروندان، از گروه به گروه، از فرد به فرد و از افراد نخبه به غیر نخبه، توسط وسایل ارتباط جمعی انتقال می‌یابد (همان، ۲۰۷). نتایج نشان داد که تنها وسایل ارتباطی تلویزیون و اینترنت با میزان مشارکت سیاسی رابطه ندارند. در حالی که وسایل ارتباطی ماهواره و رادیو خارجی رابطه معکوس و معنا داری با مشارکت سیاسی داشته، یعنی هر چه از این وسایل ارتباطی بیشتر استفاده می‌شود، مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد. اما وسایل ارتباطی رادیو داخلی و روزنامه و مجله رابطه مستقیم و معناداری با مشارکت سیاسی دارند، یعنی هر چه از این وسایل ارتباطی بیشتر استفاده می‌شود، مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

تعهد دینی که از منظر عقیدتی و مناسکی مورد توجه است، می‌تواند توسط کارگزاران جامعه پذیری ایجاد گردد. نتایج پژوهش نشان داد که هر چه تعهد دینی در نظر و مناسک بیشتر باشد، مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد. شاید یکی از دلایل این امر تعامل نظام سیاسی و دینی با یکدیگر باشد. در رویکرد سیستمی تعامل مثبت بین خرده نظامها به رشد و توسعه نظام اجتماعی کمک می‌نماید.

تقدیرگرایی از مقوله‌های فرهنگی است که در این پژوهش رابطه‌ای با مشارکت سیاسی نداشت. اما رضایت که از جنبه‌های مختلف قابل توجه است در این پژوهش از دو منظر تحصیلی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که بین این دو و مشارکت سیاسی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش رضایت تحصیلی و سیاسی، مشارکت سیاسی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد.

جدول ۵: رابطه متغیرها با مشارکت سیاسی

نام متغیر	T و F (*), F (**), F (***)	نام متغیر	سطح معنا داری	سطح معنا داری	سطح معنا داری
رضایت تحصیلی	$= ۰/۲۶۶۲$	تقدیر گرایی	$< ۰/۰۱P$	$> ۰/۰۵P$	*** معنا داری
رضایت سیاسی	$= ۰/۲۸۰۲$	جنس	$< ۰/۰۱P$	$= ۰/۵۳۴T$	$> ۰/۰۵P$
خانواده سیاسی	$= ۰/۵۸۰۲$	سن	$< ۰/۰۱P$	$= -۰/۰۳۹۲$	$> ۰/۰۵P$
دوستان سیاسی	$= ۰/۵۵۳۲$	رشته تحصیلی	$< ۰/۰۱P$	$= ۲/۱۲F$	$> ۰/۰۵P$
تلویزیون	$= -۰/۰۹۲۲$	میزان تحصیلات والدین	$> ۰/۰۵P$	$= ۰/۰۰۳۲$	$> ۰/۰۵P$
رادیو داخلی	$= ۰/۲۰۹۲$	منزلت شغلی	$< ۰/۰۱P$	$= -۰/۰۹۸۲$	$> ۰/۰۵P$

۰/۰۱P<	= ۴/۳۴F	قومیت	۰/۰۱P<	= -۰/۱۰۲T	رادیو خارجی
۰/۰۱P<	= -۰/۱۸۲F	درآمد خانوار	۰/۰۵P>	= ۰/۰۴۱T	اینترنت
۰/۰۱P<	= ۳/۸۸F	مناطق آموزشی	۰/۰۱P<	= -۰/۱۸۶T	ماهواره
۰/۰۱P<	= ۰/۳۸۶T	انجمن های ارادی	۰/۰۱P<	= ۰/۱۸۵T	روزنامه و مجله
۰/۰۱P<	= ۰/۲۶۰T	شیوه تربیتی خانواده	۰/۰۱P<	= ۰/۳۳۶T	تعهد دینی

* ضرایب همبستگی با علامت (-) نشان از رابطه معکوس دارد. ** مقایسه میانگین‌ها با استفاده از آزمون T و F *** $P < ۰/۰۱$ از نظر آماری نشان از سطح معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان و $P < ۰/۰۵$ نشان از سطح معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان می‌باشد.

از آنجا که تعداد متغیرهای مورد نظر برای تحلیل مسیر زیاد بوده، لذا قبل از انجام تحلیل مسیر برای تعدیل متغیرها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. همبستگی تجربی بین متغیرها تحت عنوان عامل بدست آمده است. تحلیل عاملی ۱۲ متغیر مورد نظر به روش مؤلفه اصلی^۱ و با چرخش عمودی و روش واریماکس^۲ با ۶ عامل اصلی صورت گرفت.

برای پاسخ به این سؤال که آیا تعداد عامل‌های انتخاب شده (۶ عامل) مورد تأیید است یا نه؟ از آزمون (K-M-O) استفاده شده است. به عبارت دیگر (K-M-O) نشان می‌دهد که آیا تعلق و همبستگی یک متغیر خاص با دیگر متغیرهای مورد تحلیل در حد قابل قبولی است یا نه؟ مقادیر ۰/۹۰ این کمیت، تحلیل عاملی را عالی، ۰/۸۰ خیلی خوب، ۰/۷۰ متوسط خوب، ۰/۶۰ متوسط، ۰/۵۰ ضعیف و $< ۰/۵۰$ غیر قابل قبول نشان می‌دهند (منصورفر، ۱۳۸۷، ۳۲۰).

با توجه به نتایج جدول ۶- مقدار آماره K-M-O در این تحقیق در حد خیلی خوب یعنی ۰/۸۱ می‌باشد. بنابراین مجاز به استفاده از تحلیل عاملی با ۶ عامل هستیم و نتایج آن قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری می‌باشد. آزمون بارتلت یا کرویت (B-T) نیز با مقدار ۸۹۱۹/۰۸ در سطح ۹۹ درصد ($P < ۰/۰۱$) معنی‌دار بود.

بنابراین بر اساس آماره‌ی K-M-O و B-T داده‌ها برای تحلیل عاملی با ۶ عامل مناسب هستند.

جدول ۶: آزمون کفایت نمونه برداری

متغیرها	K-m-o	B-T	سطح معناداری
	۰/۸۱	۷۲۰/۸۹۷	$P < ۰/۰۰۱$

بر اساس نتایج جدول ۷- مقدار ویژه^۱ تعداد شش عامل تعیین شده از یک بیشتر می‌باشد و این امر بیانگر آن است که عامل‌های انتخاب شده بهترین عامل‌ها هستند و سهم این ۶ عامل از لحاظ تبیین کل واریانس ۷۰/۳۳ درصد است و بیشترین سهم را عامل اول با ۱۶/۳۶ درصد و کمترین سهم را عامل ششم با حدود ۸/۷۷ درصد دارد.

جدول ۷: برآورد واریانس متغیرها در ۶ عامل

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس (درصد مقدار ویژه)	فراوانی تجمعی درصد واریانس
۱	۱/۹۶	۱۶/۳۶	۱۶/۳۶
۲	۱/۹۰	۱۵/۸۴	۳۲/۲۰
۳	۱/۳۰	۱۰/۸۵	۴۳/۰۵
۴	۱/۱۵	۹/۵۵	۵۲/۶۰
۵	۱/۰۸	۸/۹۶	۶۱/۵۶
۶	۱/۰۵	۸/۷۷	۷۰/۳۳

بارهای عاملی میزان همبستگی یک متغیر با یک عامل است و دامنه‌ی تغییرات آن بین +۱ و -۱ می‌باشد. بر اساس یک قاعده، می‌توان بارهای عاملی را از لحاظ سطح معناداری مورد پذیرش به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

- بارهای عاملی $+0/3$ سطح معناداری قابل قبول

- بارهای عاملی $+0/4$ سطح معناداری بیشتر قابل قبول

- بارهای عاملی $+0/5$ سطح معناداری بسیار قابل قبول

این معیار وقتی صادق است که حجم نمونه ۵۰ یا بیش از ۵۰ ($n \geq 50$) باشد (منصوفی، ۱۳۸۷):

۳۰۳). نتایج جدول ۸- بار عاملی هر عامل (همبستگی هر سؤال با هر عامل) را نشان می‌دهد که برای هر سؤال با عامل مورد نظر بیش از $0/4$ بوده بنابراین سطح معناداری آن بیشتر قابل قبول است.

جدول ۸: ضرایب همبستگی متغیرها با هریک از عواملها (بارهای عاملی)^۱

متغیرها	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	متغیرها	عامل ۶	عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱
X _۱	۰/۷۵			۰/۸۴			X _۷						
X _۲	۰/۷۴			۰/۵۵			X _۸						
X _۳	۰/۷۱			۰/۸۸			X _۹						
X _۴		۰/۸۶		۰/۵۳			X _{۱۰}						
X _۵		۰/۸۵			۰/۹۴		X _{۱۱}						
X _۶		۰/۵۲				۰/۸۵	X _{۱۲}						

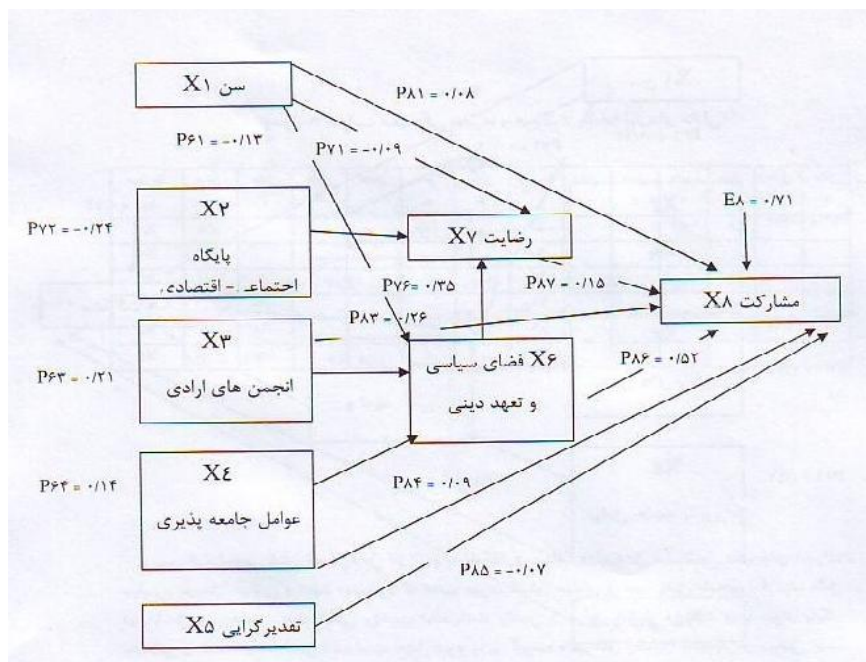
پس از مشخص شدن تعداد عواملها اقدام به نامگذاری آنها گردید. عامل اول شامل متغیرهای خانواده سیاسی، دوستان سیاسی و تعهد دینی بود که تحت عنوان فضای سیاسی و تعهد دینی مشخص گردید. عامل دوم شامل متغیرهای منزلت شغلی والدین، تحصیلات والدین و درآمد خانوار می‌باشد و با عنوان پایگاه اجتماعی و اقتصادی مشخص شده است. عامل سوم در بر گیرنده متغیرهای رضایت تحصیلی و سیاسی است که با عنوان رضایت مشخص شده است. عامل چهارم شامل متغیرهای وسایل ارتباط جمعی و شیوه تربیت خانواده است و با عنوان عوامل جامعه‌پذیری مشخص می‌شود. عامل پنجم و ششم که در بر گیرنده تنها یک متغیر است و به ترتیب شامل متغیرهای تقدیرگرایی و شرکت در انجمن‌های ارادی است با همین عناوین مشخص شده‌اند.

۴- تحلیل مسیر

در این بررسی پس از تعدیل متغیرها با استفاده از روش تحلیل عاملی ابتدا نمرهای استاندارد متغیرهای عوامل انتخاب شده بدست آمد و پس از ترکیب آن متغیرها با هم عامل کلی مشخص گردید در نهایت از روش رگرسیون بک وارد برای تحلیل مسیر استفاده شد که متغیرهای وارد شده در معادله در نمودار ۲- نشان داده شده است.

نمودار ۲: تحلیل مسیر مشارکت سیاسی

- ۱- X = خانواده سیاسی X_۲ دوستان سیاسی X_۳ = تعهد دینی X_۴ = منزلت شغلی والدین X_۵ = تحصیلات والدین X_۶ = درآمد خانوار X_۷ = شرکت در انجمن‌های ارادی X_۸ = رضایت سیاسی X_۹ = رسانه‌ها X_{۱۰} = شیوه تربیتی خانواده X_{۱۱} = تقدیرگرایی X_{۱۲} = رضایت تحصیلی



مجموع کل اثر علی متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی ۵۸ درصد بوده که از این مقدار ۳۶ درصد اثر مستقیم و ۲۲ درصد اثر غیرمستقیم می‌باشد. این بدان معنی است که متغیرهای مستقل مورد استفاده در این پژوهش بدون واسطه اثرات بیشتری بر روی متغیر وابسته داشته‌اند. تأثیر علی مستقیم متغیرهای شرکت در انجمن‌های ارادی ۲۶ درصد، عوامل جامعه‌پذیری ۹ درصد، تقدیرگرایی ۷- درصد و سن ۸ درصد بوده، همچنین میزان تأثیر علی غیرمستقیم پایگاه اجتماعی- اقتصادی از طریق رضایت ۳/۶- درصد، تأثیر متغیر سن از طریق رضایت و فضای سیاسی و تعهد دینی به ترتیب ۱/۴- و ۰/۷- درصد، اثر متغیر شرکت در انجمن‌های ارادی از طریق رضایت و فضای سیاسی و تعهد دینی به ترتیب ۱/۱- و ۱۰/۹ درصد، اثر متغیر عوامل جامعه‌پذیری از طریق رضایت و فضای سیاسی و تعهد دینی به ترتیب ۰/۷ و ۷/۳ درصد و اثر متغیر فضای سیاسی و تعهد دینی از طریق رضایت ۵/۲ درصد می‌باشد.

جدول ۹- بیانگر آن است که معادله پیش‌بینی دارای ۷ مرحله است بر اساس جدول ذکر شده ضریب همبستگی چند گانه (R) در مرحله هفتم برابر با ۰/۷۱ می‌باشد. ضریب تعیین (R^۲) بدست آمده در مرحله هفتم نشان می‌دهد که در نهایت هفت متغیر درون معادله یعنی خانواده سیاسی، شرکت در انجمن‌های ارادی، دوستان سیاسی، شیوه تربیتی خانواده، درآمد ماهیانه خانوار، رضایت

سیاسی و سن می‌توانند $0/51$ از واریانس متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) را تبیین یا پیش‌بینی کنند. ضریب تعیین (R^2) بدست آمده در هر هفت مرحله در سطح اطمینان حداقل 95 درصد از لحاظ آماری معنادار بوده است. R در جدول بیانگر مقدار افزوده شده به R^2 می‌باشد.

با توجه به اینکه تقریباً بیش از نیمی از واریانس متغیر وابسته بوسیله متغیرهای ما تبیین شده‌اند یعنی 51 درصد و در حدود 49 درصد ($1 - 0/51$) از واریانس متغیر وابسته بدون تبیین باقی مانده می‌توان گفت مدل ما از قدرت پیش‌بینی نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد.

جدول ۹: رگرسیون متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی در مرحله نهایی

مرحله	متغیرهای وارد شده	R	R^2	R	b	Beta
اول	خانواده سیاسی	$0/568$	$0/323$	-	$0/421$	$0/331$
دوم	انجمن‌های ارادی	$0/639$	$0/408$	$0/085$	$0/423$	$0/266$
سوم	دوستان سیاسی	$0/684$	$0/468$	$0/060$	$0/272$	$0/261$
چهارم	شیوه تربیتی خانواده	$0/693$	$0/480$	$0/012$	$0/266$	$0/131$
پنجم	درآمد ماهیانه خانوار	$0/704$	$0/496$	$0/016$	$-0/003$	$-0/114$
ششم	رضایت سیاسی	$0/709$	$0/503$	$0/007$	$0/126$	$0/095$
هفتم	سن	$0/713$	$0/509$	$0/006$	$0/373$	$0/078$

$R = 0/713$	$F = 49/28$
$R^2 = 0/509$	$\text{sig } F = 0/000$
	$a = -10/22$

شکل عمومی معادله رگرسیون هفت متغیره بدست آمده با توجه به اطلاعات مربوط به جدول ۹- برای پیش‌بینی مشارکت سیاسی بصورت زیر ارائه می‌شود.

$$Y = a + B_1(X_1) + B_2(X_2) + B_3(X_3) + B_4(X_4) + B_5(X_5) + B_6(X_6) + B_7(X_7)$$

عناصر معادله عبارتند از:

Y = نمره پیش‌بینی متغیر وابسته

a = ضریب محاسبه معادله رگرسیون چند متغیره (عرض از مبدا)

B = ضریب رگرسیون برای نمرات استاندارد شده

X = متغیر مستقل که وارد معادله شده است

در نهایت شکل معادله به صورت زیر می‌باشد:

مشارکت سیاسی = $-10/22 + (0/331)$ (خانواده سیاسی) + $(0/266)$ (شرکت در انجمن‌های ارادی) + $(0/261)$ (دوستان سیاسی) + $(0/131)$ (شیوه تربیتی خانواده) + $(-0/114)$ (درآمد

ماهنامه خانوار) + (۰/۰۹۵) (رضایت سیاسی) + (۰/۰۷۸) (سن)

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت بیشتر متغیرهای این تحقیق بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتباط با نوع جامعه‌پذیری که بکار گرفته می‌شود معنا و مفهوم می‌یابند. نقش عوامل جامعه‌پذیری بویژه خانواده در زمینه مشارکت سیاسی انکارناپذیر است. خانواده اولین مکانی است که فرد در آن با ارزش‌های جامعه خود آشنا می‌شود و آنها را درونی می‌سازد. با توجه به نتایج این تحقیق انعطاف‌پذیری در شیوه‌های تربیتی خانواده اهمیت بسزایی دارد. به این صورت که خانواده‌ها نباید تنها به شیوه‌های سنتی و هم‌نوایی صرف در اجتماعی‌کردن فرزندان توجه داشته باشند، زیرا این دیدگاه در بعضی موارد نه تنها کارساز نیست بلکه زمینه‌های تنش و تضاد بین خانواده و فرزندان را بیشتر می‌کند. و در نهایت به بدبینی فرزندان نسبت به نهاد خانواده و به دنبال آن نظام اجتماعی و سیاسی منتهی می‌شود. با دادن آزادی عمل معقول و منطقی و استفاده از شیوه تربیتی خود راهبری می‌توان گام جدیدی در زمینه جامعه‌پذیری برداشت و متناسب با زمان و تغییرات آن حرکت کرد. اگر خانواده‌ها در این شرایط موضع مناسبی را اتخاذ نکنند فرزندان به دنبال بدیل‌های دیگری خواهند بود و سعی خواهند نمود الگوهای رفتاری خود را در خارج از نهاد خانواده جستجو نمایند. نکته دیگری که در زمینه عوامل جامعه‌پذیری باید به آن پرداخت مربوط به رسانه‌ها می‌شود. رسانه‌ها برای آنکه از تأثیر بیشتری برخوردار باشند باید دو هدف عمده را دنبال نمایند اول آنکه در تولید برنامه‌های خود بگونه‌ای عمل نمایند که افراد را علاقمند و فعال نمایند تا تفسیرهای خاص خود را از برنامه‌ها داشته باشند و دوم آنکه بگونه‌ای عمل نکنند که مخاطبین احساس نمایند که رسانه‌ها گرایش به حفظ و تقویت وضع موجود دارند. اگر دو هدف نامبرده مد نظر رسانه‌ها قرار گیرد آنوقت می‌توان در مقابل حمله‌های رسانه‌های خارجی در امان بود و یکی از اهداف اصلی آنها را که تشویق افراد به ویژه جوانان به عدم مشارکت در نظام سیاسی می‌باشد خنثی نمود.

فهرست منابع

- ۱- اوپنهایم، ا. ان، ۱۳۶۹، طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه مرضیه کریم‌نیا، انتشارات آستان قدس، مشهد.
- ۲- تاج مزینانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۲، مشارکت سیاسی جوانان: «ابعاد و پویایی‌ها». مطالعات جوانان، سال اول شماره ۵.
- ۳- تاج مزینانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۲، جامعه‌پذیری سیاسی جوانان، مطالعات جوانان، شماره ۴ و ۳

صص ۱۰۸-۷۰

- ۴- داوسون، ریچارد و دیگران، ۱۳۸۲، جامعه‌پذیری سیاسی. ترجمه مهدی جواهری‌فر، نشر لاجورد، تهران.
- ۵- دهستانی اسفندآبادی، حسین، ۱۳۷۹، بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش‌آموزان بر جهت‌گیری ارزشی آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ۶- دورکیم، امیل، ۱۳۷۳، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۷- راش، مایکل، ۱۳۷۷، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران.
- ۸- رفتارهای فرهنگی ایرانیان، ۱۳۸۱، یافته‌های پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در همدان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۴، کند و کاوها و پنداشت‌ها، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هفتم.
- ۱۰- ریشه گی، ۱۳۷۵، سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۱- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۳، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم.
- ۱۲- سرمد، زهره و دیگران، ۱۳۷۹، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. نشر آگاه، تهرانف چاپ چهارم.
- ۱۳- فراستخواه، مقصود، ۱۳۷۷، دین و جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۱۴- فیرحی، داود، ۱۳۷۷، مفهوم مشارکت سیاسی، علوم سیاسی، سال اول شماره ۱، صص ۳۸-۶۴.
- ۱۵- فیروزجانیان، علی‌اصغر، ۱۳۸۰، بررسی تأثیر وضعیت اجتماعی، فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ۱۶- قوام، عبدالعلی، ۱۳۷۳، توسعه سیاسی و تحول اداری، نشر قومس، تهران.
- ۱۷- کائوتری، هوئین و دیگران، ۱۳۷۹، مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داود طبائی، انتشارات روشن، تهران.
- ۱۸- مقدس جعفری، محمدحسن، باقرزاده، فیروز، ۱۳۸۱، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، شماره ۱، صص ۱۵۷-۲۰۴».
- ۱۹- منصورفر، کریم، ۱۳۸۷، روش‌های پیشرفته‌ی آماری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۲۰- نژادبهرام، زهرا، ۱۳۸۲، مقایسه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در ایران و جهان، فصلنامه ریحانه، شماره ۴، صص ۹۳-۷۹.

۲۱- یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

22- Browne, K. (1994). an Introduction to Sociology. Polity Press.

23-Huntington. S. P. Nelson. J. M. (1976). No easy Choece, Political Participation in Developing Countries, Combridge. Harvard University Press.

24- Lerner, D. (1958).The Passing of Traditional Society. The Free Press of Clenceo.Colliermacmillan London.

25- Line, N. (1978). Foundations of Social Research. New York.

26-Lipset.S.M.(1963). Political man: The Social Bases of Politics. New York: University Press.

27- Turner, J. H. (1998). The Structure of Sociological Theory. NewYork: wadsworth Publishing Company. (6th ed.).